

سیاست داخلی/خارجی

خبر

همزمان با آغاز دهه فجر صورت گرفت

حضور رهبر انقلاب درمرقد امام^(ع) وگلزار شهدا



همزمان با آغاز ایام... دهه فجر و در آستانه چهل‌ودومین سالروز پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای در نخستین ساعات صبح دیروز در مرقد بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی حاضر شدند و با قرارت نماز و قرآن، یاد و خاطره امام عظیم‌الشأن ملت ایران را گرامی داشتند.

رهبر انقلاب اسلامی همچنین با حضور بر مزار شهیدان عالی‌مقام بهشتی، رجایی، باهنر و شهدای حادثه هفتم تیر ۱۳۶۰، علو درجات آنان را از خداوند متعال مسألت کردند.

حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای سپس در گلزار شهیدان سرافراز حضور یافتند و به ارواح مطهر مدافعان اسلام و ایران درود فرستادند.

حضور رهبر انقلاب اسلامی درمرقد امام(ع) وگلزار شهدا

«طرح شفافیت آرا»

در اولویت کار مجلس

نمایندگان مجلس در جلسه علنی دیروز با بررسی اولویت‌دار طرح شفافیت آرا موافقت کردند.

به گزارش فارس، احمد امیرآبادی فراهانی، عضو هیأت‌رئیس مجلس در جریان بررسی درخواست اولویت‌دار شدن طرح شفافیت آرای نمایندگان مجلس اظهار کرد: موضوع شفافیت آرا یکی از مواردی بود که از ابتدای مجلس یازدهم به آن پرداختیم و درنهایت این طرح به‌صورت عادی اعلام وصول شد و رئیس مجلس به‌عنوان اولین نفر و سپس

دیگر همکاران آن را پیگیری کردند. امیرآبادی فراهانی یادآور شد، این طرح باید برای قوای سه‌گانه به‌ویژه‌قوه‌مجریه‌اجراشود، چراکه در قوه قضاییه آقای رئیسی کارهایی را در این زمینه‌شروع‌کردندکه جاداردار ازوی‌قدردانی‌کنیم اما، در قوه‌مجریه لازم‌است برای‌پخش‌مذاکرات هیات وزیران و شوراهای تصمیم‌گیرنده و شوراهای اقتصادی که درون‌آنها رانت اطلاعاتی وجود دارد، اجرا شود.



عضو هیأت‌رئیس مجلس بر همین اساس اضافه‌کرد، پیشنهاد هیات‌رئیس‌ه این‌است‌که بعد از در اولویت قرار گرفتن این طرح و تصویب کلیات آن، یک یا دو شوری انجام شود که برخی همکاران بتوانند پیشنهادهای جدیدشان را مطرح‌کرده‌تأموردبررسی‌قرار گیردو به‌سرع‌ت به قانون تبدیل شود تا هم در مجلس و هم سایر بخش‌های حاکمیتی به‌ویژه مذاکرات دولت و جلسه‌هیات‌وزیران که در آن رانت‌های اطلاعاتی بسیار زیادی وجود دارد، اجرا شود.

پس از طرح درخواست نمایندگان برای اولویت‌دار شدن بررسی این‌طرح از ۳۸نماینده حاضر در صحن علنی مجلس ۵۴نماینده با اولویت این بررسی موافقت کرده و ۵۴نماینده اعلام مخالفت کردند، ضمن این‌که ۷رای هم ممتنع بود.

محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس بعد از تصویب بررسی اولویت‌دار طرح شفافیت آرای نمایندگان با انتشار مطلبی در توئیتر نوشت: امروز و بلافاصله پس از وصول درخواست، اولویت بررسی طرح شفافیت آرای نمایندگان را در صحن علنی به رأی گذاشتیم.

رئیس‌مجلس‌افزود، به‌عنوان اولین‌امضاکننده طرح شفافیت، اولین موافق تصویب اولویت بررسی آن‌هم بودم تا به وعده خود عمل کرده باشم. از نمایندگان محترمی که بررسی این طرح را سرعت بخشیدند، تشکر می‌کنم.



ظریف: آمریکا میانجی خوبی نیست

وزیر خارجه کشورمان در دیدار با ملاعبدالغنی برادر، معاون سیاسی طالبان و هیات همراهش بیان کرد: ما از یک دولت فراگیر اسلامی با حضور همه قومیت‌ها، مذاهب و طرف‌ها حمایت می‌کنیم، محمدجواد ظریف در این دیدار با اشاره به اقدامات آمریکا در افغانستان تأکید کرد: آمریکا میانجی و حکم خوبی نیست، ظریف

وزیر خارجه کشورمان در دیدار با ملاعبدالغنی برادر، معاون سیاسی طالبان و هیات همراهش بیان کرد: ما از یک دولت فراگیر اسلامی با حضور همه قومیت‌ها، مذاهب و طرف‌ها حمایت می‌کنیم، محمدجواد ظریف در این دیدار با اشاره به اقدامات آمریکا در افغانستان تأکید کرد: آمریکا میانجی و حکم خوبی نیست، ظریف

وزیر خارجه کشورمان در دیدار با ملاعبدالغنی برادر، معاون سیاسی طالبان و هیات همراهش بیان کرد: ما از یک دولت فراگیر اسلامی با حضور همه قومیت‌ها، مذاهب و طرف‌ها حمایت می‌کنیم، محمدجواد ظریف در این دیدار با اشاره به اقدامات آمریکا در افغانستان تأکید کرد: آمریکا میانجی و حکم خوبی نیست، ظریف

وزیر خارجه کشورمان در دیدار با ملاعبدالغنی برادر، معاون سیاسی طالبان و هیات همراهش بیان کرد: ما از یک دولت فراگیر اسلامی با حضور همه قومیت‌ها، مذاهب و طرف‌ها حمایت می‌کنیم، محمدجواد ظریف در این دیدار با اشاره به اقدامات آمریکا در افغانستان تأکید کرد: آمریکا میانجی و حکم خوبی نیست، ظریف



عکس: چاووش همدانی / جام‌جم

گفت‌وگو با عماد افروغ درباره «استقلال» که یکی از شعارهای اصیل انقلاب اسلامی است

آزادی و عدالت از مسیر استقلال محقق می‌شود

استقلال شرط لازم و اولیه برای شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی بود. مردم و رهبران نهضت در طول مبارزات خود در دوران پهلوی همواره نظام سلطنت را به‌خاطر سلطه بیگانه بر کشور مورد نقد قرار می‌دادند و در شعارهای خود همواره خواستار برآمدن حکومتی بودند که از هویت ملی و میهنی و تمامیت ارضی دفاع کند. همزمان با دهه‌فجر انقلاب اسلامی در گفت‌وگویی با دکتر عماد افروغ، نویسنده و جامعه‌شناس به بررسی میزان توفیق نظام اسلامی در تحقق شعار استقلال پرداخته‌ایم. وی در این مصاحبه می‌گوید گرچه استقلال سیاسی تحقق یافته اما در سایر ساخت‌ها مثل استقلال فرهنگی-اقتصادی با وضعیت مطلوبی مواجه نیستیم و اگر خواهان تحقق کامل آزادی و رعایت حقوق انسانی و سیاسی و رسیدن به عدالت اجتماعی هستیم باید تلاش مجدانه جهت ساماندهی وضعیت استقلال اقتصادی و فرهنگی داشته باشیم.

فتاح غلامی
سیاسی
جنوب و شمال کشور توسط بیگانگان می‌نالد. در همین دوره ما با جریان مشروطه‌خواهی مواجه می‌شویم. جریانی مطبوف به مشروط و محدود شدن قدرت حکمرانان و به گونه‌ای دفاع از حقوق ملت. به هر حال این جریان را با همه تفسایر و قراز و فرودهایش نمی‌توان به دور از حساسیت ملی و سرزمینی تفسیر کرد. مشروطه با توجه به افراط و تفریط‌ها و اتفاقاتی که رقم می‌خورد با ناکامی‌هایی روبه‌رو می‌شود و سوگوارانه از کودتای انگلیسی رضاخان و بسترسازی برای ایجاد یک نظام و فرامسیون اجتماعی شبه سرمایه‌داری و وابسته سر در می‌آورد. این کودتا بر خلاف دوره‌های گذشته، کل عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و حتی فرهنگی کشور را نشانه می‌گیرد. این‌پدیده البته با واکنش‌ها و مخالفت‌هایی نیز روبه‌رو می‌شود اما در کنار همه تلخی‌ها و حساسیت ملی ما ولو به ظاهر به قوت خود باقی است. حال به دلایلی همین رضاخان هم شعار ملی و دولت ملی و هویت ملی می‌دهد و سعی می‌کند حفظ ظاهر کند و در هر صورت سعی می‌کرد مفاهیمی مثل مملکت و میهن را یک بکشد. به‌تدریج اما این سلطه و نفوذ گسترده‌تر می‌شود و ابعاد سیاسی و فرهنگی و اقتصادی آن را در بر می‌گیرد. محمد رضا شاه، نماد این وابستگی است و این وابستگی هیچ بنیه و عقبه تاریخی ندارد. کاملاً قصد این است سرمایه‌داری وابسته‌ای را در ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در کشور صرفاً به‌خاطر منافع اقتصادی و سرمایه‌داری آمریکا به‌وجود آورند. اگر فرهنگ وابسته نماند و مستقل باشد منافع اقتصادی از قبل نظام سیاسی وابسته را با مانع روبه‌رو می‌کند اما با این وصف همین فرهنگ، زمینه‌ساز انقلاب شکوهمند است. شعار این انقلاب در وهله اول استقلال است. یعنی در مواجهه با یک رژیم کاملاً وابسته و در پاسخ به آن حساسیت ملی و تاریخی ایران این شعار مطرح می‌شود.
بنابراین آن‌طور که می‌گویید ملت ایران به لحاظ تاریخی همواره درباره مساله استقلال، حساس بوده‌است؟

بله، بنابراین این‌گونه نیست که فکر کنیم این استقلال صرفاً برای این است که یک حکومت اسلامی برپا شود. به عبارت دیگر، این ملت حساسیت استقلال و حساسیت سرزمینی دارد و می‌خواهد روی پای خود بایستد. این ملت اولین گام را که استقلال باشد برمی‌دارد. گامی که منتج به برداشتن سایر گام‌ها نباشد. به نظر من، ملت ایران در ۴۲ سال گذشته در گام اول موفق بوده‌است. البته این گام، هم حیاتی و هم مبنایی است. به این معنا که تا این گام را برنداریم نمی‌توانیم گام‌های دیگر را برداریم و این شرط اول و لازم است. شرط اول این است که استقلال جمعی ما محفوظ بماند. در اینجا استقلال وجه جمعی دارد و معنای مستقل بودن و رهایی کشور را می‌دهد. آزادی که گام دوم است جنبه فردی دارد و شامل برخورداری از حقوق‌های انسانی و سیاسی است. جالب این است که حتی این وجه آزادی هم ذیل شعار استقلال به دست می‌آید. حتی شعار بعدی که جمهوری اسلامی است و وجه ایجادیی این انقلاب است بدون استقلال امکان‌پذیر نیست.
میزان توفیق جمهوری اسلامی در خصوص استقلال را به نسبت توفیق در عملی کردن سایر شعارها چگونه ارزیابی می‌کنید؟

گفت: ما از یک دولت فراگیر اسلامی با حضور همه قومیت‌ها و مذاهب حمایت می‌کنیم و آن را ضرورتی برای افغانستان می‌دانیم. وی گفت: مردم افغانستان از شما هستند و نباید در عملیات هدف قرار گیرند.

وزیر خارجه با اشاره به قانون اساسی و نظام افغانستان تصریح کرد: ما نمی‌توانیم

گفت‌وگو با عماد افروغ درباره «استقلال» که یکی از شعارهای اصیل انقلاب اسلامی است

گفت‌وگو با عماد افروغ درباره «استقلال» که یکی از شعارهای اصیل انقلاب اسلامی است

گفت‌وگو با عماد افروغ درباره «استقلال» که یکی از شعارهای اصیل انقلاب اسلامی است

یکی از مساله‌های مهم در مساله استقلال، به‌کارگیری این مفهوم در همه ساخت‌ها و عرصه‌هاست. از استقلال سیاسی گرفته تا استقلال اقتصادی، فرهنگی و... این مساله در بیانات رهبری هم بارها مورد تأکید واقع شده‌است. استقرار استقلال در کدام یک از این حوزه‌ها محکم‌تر و در کدام یک با چالش همراه بوده و به چه دلیل؟

ما در استقرار استقلال سیاسی جمعی و ملی موفق بودیم، اما در استقلال فرهنگی و اقتصادی توفیق چندانی نداشتیم. وقتی کشوری می‌خواهد به استقلال اقتصادی برسد باید به نیروها و امکانات داخلی، انسانی و جغرافیایی خود توجه داشته باشد. نباید متکی به اقتصاد نفتی باشد که اگر آن ور آب بخواهند شیر فلکه نفت ما را ببندند ما به فلکتک بیفتیم. ما از ابتدا باید به این بحث‌ها می‌پرداختیم و موضوع استقلال و خودکفایی را جدی می‌گرفتیم. مگر کسانی که بخواهند به استقلال و خودکفایی روی بیاورند نباید با دیگر کشورها بده‌بستان داشته باشند. استقلال خودکفا به این معنا نیست که ما درهای کشور را به روی دیگران ببندیم. ما می‌گوییم بده بستان کنیم یعنی هم بدheim و هم بگیریم نه این‌که فقط بگیریم. اگر متکی به اقتصاد نفتی بشویم دیگر چه بده‌بستانی باقی می‌ماند؟ اگر می‌خواهیم استقلال سیاسی را حفظ کنیم باید به استقلال اقتصادی هم توجه داشته باشیم. به عبارت دیگر توجه به اقتصاد مقاومتی می‌تواند زمینه را برای استفاده از تمام توان‌های نهفته در پهنای سرزمینی ایران فراهم کند و این مساله امکان‌پذیر نیست مگر در صورت خارج شدن از ظرف تمرکزگرایی و رهایی از اقتصاد نفتی. سوگمنده‌ای می‌گوییم که ما ۴۰ سال فرصت طلایی را از دست داده‌ایم. اگر از همان ابتدا به سمت آمایش سرزمین می‌رفتیم امروز حال و روز خیلی بهتری داشتیم و با مشکلات اقتصادی با این گستردگی به دلایل تحریم‌ها مواجه نمی‌شدیم. نکته بعدی، استقلال فرهنگی است. ما کجا استقلال فرهنگی داریم؟ نهادهای علمی‌مان کجا متناسب با آرمان‌های انقاب اسلامی و آرمان‌های تاریخی حرکت کردند؟ متأسفانه مراکز علمی ما به‌محل توسعه‌آرای غربی تبدیل شده‌است. نه علم را می‌شناسند و نه استقلال را و نه پتانسیل‌های داخلی کشور را. اگر می‌شناختند که وضعیت مملکت این‌گونه نبود به‌خصوص در حیطه علوم انسانی. این مراکز علمی بیشتر به تقلید و کپی‌برداری و بی‌توجهی به علم بومی روی آوردند. طبیعی است به‌واسطه همین بی‌توجهی‌ها علم در کشور حالت خودجوش پیدا نمی‌کند. علمی که به‌نیاز مردم توجهی نمی‌کند دیگر علم نیست. متأسفانه یکی از مشکلات ما این است هر تحولی را با فعل کردن به کار می‌بریم. مثل اسلامی کردن. تمدنی کردن و... این اشکال است. باید فعل کردن بشود شدن. یعنی اسلامی شدن. فرهنگی شدن، تمدنی شدن. وقتی چنین شد یعنی بسترها را فراهم می‌کنید و دیگر فرصتی نمی‌دهید به کسانی که با فعل کردن به نان و نوایی برسند و متظاهرانه آن خود را پیش ببرند. بنابراین باید با فعل شدن بیشتر مانوس شد.

در این ۴۲ سال نمی‌توانیم بگوییم به آزادی، اخلاق و عدالت اجتماعی خوب پرداختیم. بنده در اینجا یک آسیب‌شناسی دارم. می‌خواهم بگویم هیچ مانعی وجود نداشت که ما در کنار حفظ استقلال به مقولات آزادی و اخلاق و عدالت هم سامان می‌دادیم. این ناکامی را باید بررسی کرد که چرا نتوانستیم دوشادوش استقلال، به مسائل داخلی خود سامان مطلوب بدهیم. این هیچ ربطی به استقلال خواهی و به اصطلاح هزینه آن ندارد، بلکه به بی‌کفایتی ما بر می‌گردد. درست نیست بگوییم ما تاوان استقلال‌مان را پس می‌دهیم. این غلط است. اتفاقاً کشوری که می‌خواهد مستقل باشد مسلم است که در دنیا یکنونی با انواع و اقسام تهدیدات مواجه می‌شود و اگر بخواید با این تهدیدها کنار بیاید استقلال و در نتیجه فرصت تحقق بخشیدن به سایر اهداف ایجادیی خود را از دست می‌دهد. در عین حال از این فرصت نباید زیاده استفاده کند و از همه ظرفیت‌ها بهره گیرد. هم به نیازهای مردم پاسخ بدهد و هم ریشه‌های استقلال را مستحکم‌تر کند. اگر به نگرش منظومه‌ای به مسائل داخلی کشور پرداخته نشود به یقین این مساله روی استقلال کشور هم اثر می‌گذارد. کشوری می‌تواند استقلال سیاسی را حفظ کند که به مردم هم توجه کند. به عبارت دیگر رابطه دولت و ملت حفظ شود. یعنی هم باید دولت در خدمت ملت باشد و هم ملت پاسدار خدمات دولت باشد. یک‌طرفه اگر شد ایجاد اشکال می‌کند. وقتی قرار است کشوری مستقل باشیم انسان‌ها هم باید مستقل و آزاد باشند. متأسفانه در این مسائل بدون تعارف کارنامه خوبی نداریم. تظاهر کردن، نان خوردن به اسم ارکان رکن انقلاب و مصلحت‌اندیشی‌های کاذب زیاد داریم. اما به‌رغم همه مشکلات چیزی به نام استقلال داریم و وزن زیادی هم برای آن قائل هستیم. کاریکاتوری هم البته نمی‌خواهیم پیش برویم. می‌گوییم استقلال داریم و در کنار آن باید به استقلال فرهنگی و اقتصادی نیز سامان داد. در غیر این صورت بر استقلال سیاسی نیز اثر خواهد گذاشت.

درباره آینده استقلال نظرات چیست؟ در جهان امروز و آینده که خیلی‌ها صحبت از پایان ناسیونالیسم به معنای کلاسیک می‌کنند و حرف از جهانی شدن می‌زنند، استقلال چه جایگاهی دارد؟ کسی دیگر روی جهانی شدن مانور نمی‌دهد، چون همان زمان حساسیت‌هایی نسبت به آن برانگیخته شد و روشنفکران و عالمان در سراسر جهان نسبت به آن واکنش نشان دادند. اساساً این چه جهانی شدن است که توسط دولت‌ها دنبال می‌شود. تازه آن جهانی شدن در آن دوره در چه سطحی اتفاق افتاد؟ در سطح الگوی مصرف بود. حوزه اقتصاد که صرفاً به موضوع الگوی مصرف نمی‌پردازد و زندگی اجتماعی هم صرفاً اقتصاد نیست و وجوه اجتماعی و فرهنگی و سیاسی هم دارد. حساسیت‌های فرهنگی در قبال یک سیاست‌های اقتصادی گسترده، خودش محل توجه است. کما این‌که در انقلاب اسلامی، حساسیت‌های فرهنگی باعث انقلاب شد. امروزه کسی بحث جهانی شدن را مطرح نمی‌کند چه برسد به جهانی‌سازی. شاید این بحث‌ها در دهه ۷۰ رواج داشت اما الان دیگر سکه رایج نیست و حتی در حال حاضر حساسیت‌های ملی بیشتر شده‌است. البته این‌که حساسیت‌های ملی بیشتر شده به معنای ناسیونالیسم افراطی نیست. بلکه بیان این نکته است که ما این شرط حداقلی را داشته باشیم. حتی اگر بخواهیم یک تمدن اسلامی داشته باشیم باید تحفظات ملی حفظ شود. قرار نیست سابقه تاریخی امپراتوری‌های عرب و عثمانی تکرار شود. اگر کشور ما بخواهد سردمدار یک تمدن نوین اسلامی باشد باید تحفظات ملی و تاریخی و جغرافیایی کشورها را پاس بدارد و گر نه با واکنش روبه‌رو می‌شود. باید تکررات فرهنگی و جغرافیایی را به رسمیت بشناسیم و در کنار آن دغدغه‌های فراملی خود را سامان بدهیم.

شرایط را در خلأ در نظر بگیریم و این شرایط را برای رسیدن به حکومت آینده مشارکتی می‌شود درنظر گرفت. ظریف در ادامه این دیدار از آمادگی جمهوری اسلامی ایران برای تسهیل گفت‌وگو بین طالبان و دولت و دیگر گروه‌های افغانستانی خبر داد. / تسنیم

شرایط را در خلأ در نظر بگیریم و این شرایط را برای رسیدن به حکومت آینده مشارکتی می‌شود درنظر گرفت. ظریف در ادامه این دیدار از آمادگی جمهوری اسلامی ایران برای تسهیل گفت‌وگو بین طالبان و دولت و دیگر گروه‌های افغانستانی خبر داد. / تسنیم

شرایط را در خلأ در نظر بگیریم و این شرایط را برای رسیدن به حکومت آینده مشارکتی می‌شود درنظر گرفت. ظریف در ادامه این دیدار از آمادگی جمهوری اسلامی ایران برای تسهیل گفت‌وگو بین طالبان و دولت و دیگر گروه‌های افغانستانی خبر داد. / تسنیم

شرایط را در خلأ در نظر بگیریم و این شرایط را برای رسیدن به حکومت آینده مشارکتی می‌شود درنظر گرفت. ظریف در ادامه این دیدار از آمادگی جمهوری اسلامی ایران برای تسهیل گفت‌وگو بین طالبان و دولت و دیگر گروه‌های افغانستانی خبر داد. / تسنیم

شعار بنیادین انقلاب اسلامی «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» است. درباره هوشمندی انتخاب این شعار توضیح دهید. به نظر می‌رسد ترکیب واژگان و مفاهیم این شعار کاملاً حساب شده بوده است؟

دقیقاً. ولی برخی تفسیر غلطی اوایل انقلاب داشتند و می‌گفتند ما در این انقلاب می‌دانستیم چه نمی‌خواهیم اما نمی‌دانستیم چه می‌خواهیم. من نمی‌فهمم این را از کجای انقلاب درآوردند. خود استقلال یک هدف است. ولی هدف سلبی و به معنای آزادی جمعی از اسارت و وابستگی است. آزادی هم یک هدف سلبی است اما جمهوری اسلامی یک وجه ایجابی دارد. یعنی چه می‌خواهیم. اگر بخواهیم به لفظ، جمهوری اسلامی را تفسیر کنیم یعنی خواهان مردم‌سالاری دینی هستیم. البته این یک تفسیر سطح اول است. اما در محتوا، منظور جمهوری اسلامی‌ای است که هم مردم در آن مشارکت داشته باشند و هم به آزادی فردی و اخلاق و عدالت اجتماعی برسند. حالا اینجا یک بحث فلسفی مطرح است. آزادی و عدالت اجتماعی در صورتی جمع می‌شود که ما توجه به اخلاق هم داشته باشیم. چون اخلاق می‌تواند بین آزادی و عدالت اجتماعی جمع کند. آزادی یک خصلت فردی است و عدالت اجتماعی یک خصلت جمعی است. آزادی فردی جنبه خودخواهی دارد اما عدالت اجتماعی جنبه نوع‌گرایی و نوع‌دوستی دارد. اخلاق است که بین یک امر فردی و اجتماعی پیوند می‌زند. این وجه ایجابی جمهوری اسلامی است؛ بنابراین این سه شعار برآمده از خواست ملی و یک زیرساخت فلسفی است.

مساله استقلال، در اندیشه و گفتمان بنیانگذار انقلاب و بعد از ایشان، حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای به‌عنوان دال مرکزی مورد توجه قرار گرفته است. اهمیت این مساله و دستاوردهای این تمرکز و توجه در عملکرد نظام و ارتقای قدرت نرم انقلاب چه بوده‌است؟

تا استقلال سیاسی نباشد زمینه برای تحقق سایر شعارها فراهم نیست. یادمان نرود استقلال سیاسی را برای خودش نمی‌خواهیم بلکه برای اهدافش می‌خواهیم. استقلال سیاسی یک تقدم اولیه دارد اما تقدم ثانویه ندارد. ما حکومتی تشکیل می‌دهیم تا مقدمه و ابزاری برای تحقق چیزهای دیگر باشد؛ بنابراین خودش هدف نیست و شرط اولی و لازم برای تحقق اهداف دیگر است. اگر این‌گونه بود و نبود تشکیل حکومت فی‌نفسه هدف بود که همان اخلاق ماکاولی می‌شود. به این معنا که باید تحت هر شرایطی ولو خلاف منافع و نیازهای واقعی مردم حفظش کرد. ما می‌گوییم اگر خواهان اجرای احکام اسلامی، عدالت، حقوق انسانی و آزادی فردی و اخلاق هستیم باید استقلال داشته‌باشی و استقلال شرط اولیه و لازم است اما کافی نیست. اگر استقلال شد هم گام اول و هم گام آخر، اینجا باید زنگ خطر را به صدا درآورد.

از همان اوایل انقلاب جریان صاحب نفوذ در کشور سعی داشت مساله استقلال را به حاشیه براند. این جریان به‌نوعی مساله استقلال را در نقطه مقابل توسعه تصرف می‌کرد. جمله معروف «عصر فعلی، عصر وابستگی‌های متقابل است» خود گویای این مطلب است. آیا می‌توان گفت بین استقلال و توسعه، تضاد وجود دارد؟

اگر به‌جای وابستگی، از عبارت ارتباط استفاده می‌شد منطقی به‌نظر می‌رسید. بله در این جهان همه چیز با هم مرتبط است. ما اساساً یک تفکر وحدت در عین کثرت داریم. ما با جهان ارتباط متقابل داریم و نه یک‌سویه من حتی با عبارت وابستگی متقابل هم مساله‌ای ندارم. می‌گوییم من به تو وابسته‌ام و تو هم به من وابسته‌ای. به عبارت دیگر هر کجا که تقسیم کار باشد این‌گونه است. اما این‌که بگوییم استقلال سیاسی و در پی آن استقلال اقتصادی با توسعه منافات دارد حرف شاذ و نادری است. ما باید استقلال اقتصادی داشته باشیم تا بتوانید به روابط و وابستگی‌های متقابلمان با دیگران سامان بدهیم. بنابراین اول بپذیریم ما به‌عنوان یک کشور از استقلال سیاسی برخورداریم و می‌توانیم براساس مصالح خود و نه دیکته دیگران رفتار کنیم و انتخاب می‌کنیم چگونه دست به ارتباط متقابل بزنیم. البته برخی ذیل شعار جهانی شدن القائاتی داشتند تا به‌طور کلی مفهوم ملت‌ها را محو کنند. به همین خاطر در مواجهه با جهانی‌سازی که ذیل جهانی شدن خود را پنهان کرده بود، حساسیت‌هایی مبنی بر هویت ملی در کشورهای مختلف شکی گرفت. آنها که شوعه را منهای دولت- ملت مطرح می‌کنند خواسته و ناخواسته جاده صاف‌کن یک نظریه امپریالیستی به نام جهانی شدن هستند.

سوال طنزی از جوان‌ها و البته پیران پشیمان، واقعا ارزش استقلال چقدر است و آیا ارزش دارد این همه‌هزینه بدهیم برای استقلال؟

مثل این می‌ماند که بگوییم زندگی ملی، تاریخی و توجه به گذشته چه ارزشی دارد؟ و واقعیت آن است بخشی از حال ما مرهون گذشته است. خاطره‌ای از یکی از وزیران دوره پهلوی خوانده بودم. می‌گفت در دوران کودکی که در شیراز شاهد حضور آمریکایی‌ها در این شهر بود احساس خفت و خواری می‌کرد که جرابیانگان در کشور ما جولان می‌دهند. واقعیت آن است نسل جوان ما اطلاع کمی دارد از آنچه در گذشته در کشور ما رخ داده است. قانون کاپیتولاسیون یکی از اتفاقات تلخی بود که آن دوره به تصویب رسید. می‌شود این سوال را از جوانان پرسید که آیا مشابه این قانون را برای زندگی شخصی می‌توان توصیه کرد؟ آیا می‌شود پذیرفت بیگانه‌ای بدون این‌که تبعات حقوقی داشته باشد به وابستگیان یک شخص تعرض کند و آن شخص حتی نتواند سبلی به‌صورت او بزند؛ بنابراین توجه و پیگیری برای رسیدن به استقلال سیاسی با همه هزینه‌های آن موضوعی باارزش است اما درعین حال به هیچ وجه نباید از استقلال اقتصادی و فرهنگی غافل بود.